

طعمی که ادب به اخلاق و ایمان می‌دهد



حجت‌الاسلام والمسلمین محسن اذین‌پور
استاد سراج علی حیدر علییه قم و عضو هیات‌علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران

اخلاق در ادب دینی، شامل ویژگی‌هایی است که به‌تدریج در رفتار نهاده‌ینه و به جلوه‌هایی آراسته می‌شود. اگر این جلوه‌ها از اسلام و آموزه‌هایش گرفته‌شود، ادب، دینی خواهد بود، مثل ادب دینی در غذا خوردن، دعاکردن و پیاده‌روی کردن. ادب دینی چارچوب خاص خود را دارد که باید در هر ویژگی اخلاقی مدنظر قرار بگیرد؛ برای مثال در روابط با همسر، در روابط با فرزند و... یعنی این ادب دینی در جزئیات دیده شده است. اما این جزئیات در قالب یک کل قرار دارد که همه‌امور در آن پیش‌بینی شده است؛ مثل ادب دینی در مراجعه به یک اداره یا در مواجهه با رباب‌رجوع که رسیدگی به کار او ویژگی اخلاقی است اما اگر این راه‌انداختن کار الگویش و اثرگذار باشد، به نحوی که ارباب رجوع مشکلات خود را برای دقایقی فراموش کند و تصویری محترم از کارمند در ذهن او شکل بگیرد، اخلاق به ادب آراسته شده است. این یعنی ادب، جلوه‌ها و تجلیات متعدد دارد. امام سجاده^(ع) در دعای بیست‌وششم صحیفه سجاده‌یه عبادت از مریض را یکی از مصادیق ادب معرفی کرده‌اند: «وَفَقِّهْمُ لِإِقَامَةِ سُتُكٍ وَالْأَخْذِ بِمَخَاسِنِ أَدَبِكُمْ لِإِقَافِ ضَعِيفِهِمْ وَسَدِّ خَلَّتِهِمْ وَعِيَادَةِ مَرِيضِهِمْ؛ و آنان را به این امور موفق دار؛ برپا داشتن روش و طریقه‌ات، فراگرفتن زیندگی کمالات و صفات برانزده‌ات برای سود رساندن به ناتوانشان، جبران کردن تنگدستی‌شان، عیادت بیماران...».

● توصیه به ادب در جزئی‌ترین رفتارها

آموزه‌های دینی در جزئی‌ترین رفتارها نیز بر رعایت ادب تأکید می‌کنند؛ برای مثال شاید باورمان نشود که دین به ما حتی ادب پیاده‌روی را که عادت روزانه بسیاری از ماست، یاد می‌دهد. در کلامی منسوب به امام صادق^(ع) سفارشی به ما شده است که می‌توان از آن سبک پیاده‌روی را یاد گرفت. این‌ها اخلاق است که اگر بخواهیم به آن جلوه زیبایی بدهیم، باید به ادب آراسته‌شان کنیم. بنا بر این حدیث، هنگام راه رفتن در مسیر با اطرافیان گفت‌وگوی بسیار نکند یا اگر صحبت می‌کنید، کوتاه باشد؛ علت آن است که این صحبت در مسیر رفتن، ما را از خطرهای اطراف غافل می‌کند. یا برای وقت غذا خوردن، برخی ویژگی‌های اخلاقی سفارش شده است. اما آنچه جزو ادب محسوب ی‌شود، عبارت است از شست‌وشوی دست‌ها قبل از غذا خوردن، اینکه لقمه‌ها را کوچک برداریم، لقمه را زیاد و خوب بجویم و جالب‌تر آنکه در حین غذا خوردن، سعی کنیم به اطرافیان کمتر نگاه کنیم.

● ادب دعا

یکی از آداب مهم دینی مربوط به دعاکردن می‌شود. دعاکردن از ویژگی‌های اخلاقی است که بارها به آن سفارش شده است. دعا یعنی ارتباط و گفت‌وگو با خالق که در آن درخواستی هم مطرح می‌شود. در قرآن به این ارتباط و خواندن پروردگار، امر و توصیه شده است؛ چنان‌که در روایت است: «وای بر کسی که پس از نماز با خالق گفت‌وگوی شخصی نکند!»، اما دعا آدابی دارد. در سخنی منسوب به امام صادق^(ع) به رعایت ادب دعا تصریح شده است؛ در ادب دعا تأکید می‌شود که متوجه باش با چه کسی سخن می‌گویی (دائم مخاطب را در ذهن تصور کن)، چگونه با او سخن می‌گویی (آیا حالت فیزیکی مناسبی داریم؟) و بدان که چرا با خدای متعال گفت‌وگو می‌کنی. این سه ویژگی ادب دعاست؛ یعنی دعا مقوله‌ای جدا و ادب آن، مقوله‌ای دیگر است.

● اخلاق بدون ادب، ارزش ندارد

نداشتن ادب دینی، باعث نقص در زندگی و نگرانی‌های ما می‌شود. به‌گونه‌ای‌که مدام دچار حسرت می‌شویم. به عبارت دیگر، صرف داشتن و رعایت اخلاق، کافی نیست، بلکه اخلاق باید به ادب آراسته‌شود تا کارکرد و اثر لازم را داشته باشد؛ برای مثال ما اگر به‌عنوان اخلاق، اهل تهمت و غیبت‌نیشیم اما این را به‌گونه‌ای زننده یا نازیبا بروز دهیم، تأثیری ندارد. در مقابل اگر با رعایت ادب دینی، بتوانیم دیگران را هم جذب نکات اخلاقی کنیم، صحیح و موفق عمل کرده‌ایم.

● بچه‌ها را مؤدب بار بیاوریم

در آموزه‌های دینی، سفارش شده است فرزندان را از کودکی با ادب دینی آشنا کنید؛ چون بدون این ادب حتی باوجود داشتن بالاترین مقامات علمی واجتماعی، فرد نمی‌تواند علم خود را به دیگران منتقل کند. انتقال علم، رفتاری اخلاقی و از توصیه‌های مؤکد دین است، اما اینکه در این انتقال با چه ادبیات و رفتاری باید عمل کرد، در دایره ادب قرار می‌گیرد. علم بدون ادب، برای مخاطب قابل پذیرش نیست و از آن می‌گذرد.

اشارت

در خانه خوش اخلاق باشیم

طیبه اشرفی! تخریب روابط اعضای خانواده، از پیامدهای منفی بداخلاقی در خانه است؛ چراکه بداخلاقی به تدریج باعث ایجاد فاصله بین اعضای خانواده می‌شود. اعتماد را از بین می‌برد و باعث می‌شود افراد، احساس ناامنی و تنهایی کنند. بروز یا تشدید مشکلات عاطفی به ویژه در فرزندان کودک و نوجوان یک خانه، از عوارض جدی بداخلاقی والدین است؛ فرزندان‌ی که در محیطی پر از تنش و بداخلاقی بزرگ می‌شوند، بیشتر در معرض مشکلات عاطفی مانند اضطراب، افسردگی و پایین آمدن عزت نفس و کمبود اعتماد به نفس قرار دارند.

بروز مشکلات رفتاری، از پیامدهای بداخلاقی مستمر در یک خانه به ویژه در بین کودکان است. کودکان ممکن است به خاطر بداخلاقی دیگر اعضای خانواده، رفتارهای پرخطر، گناه، گوشه‌گیری یا دروغ‌گویی را از خود نشان دهند. همچنین استرس ناشی از بداخلاقی، می‌تواند باعث بروز مشکلات جسمی مانند سردرد، مشکلات گوارشی و اختلالات خواب شود.

● راهکارهای مقابله با بداخلاقی در خانه

مهم است بدانیم که بداخلاقی، یک مشکل آسیب‌زا و البته حل‌شدنی است و با تلاش و همکاری همه اعضای خانواده، می‌توان با روش‌هایی به بهبود روابط و ایجاد محیطی آرام و صمیمی دست یافت.

- شناسایی عوامل ایجادکننده**؛ سعی کنیم عوامل اصلی و مودی ایجادکننده بداخلاقی را شناسایی و برای رفع آن‌ها تلاش کنیم.
- توجه به حقوق دیگران**؛ باید توجه کرد که بداخلاقی در خانه به لحاظ دینی، تعدی به حقوق اعضای خانواده و نوعی گناه اخلاقی و حق الناس معنوی محسوب می‌شود و لذا با پرهیزکاری و به روش مراقبه اخلاقی، مشاطره و محاسبه نفس و نیز توجه به عواقب دنیوی و آخرتی، این رفتار ناپسند در خانه رامی‌توان از خود و فضای خانه دور کرد.
- یادگیری مهارت‌های کنترل خشم**؛ تمرین و ممارست فردی یا شرکت در دوره‌های آموزشی مدیریت خشم، می‌تواند کمک کند که خشم و غضب را به شیوه‌ای سالم‌تر مدیریت و از بداخلاقی پیشگیری کرد.
- ارتباط و رفتار مؤثر**؛ با نگاه خوش‌بینانه و پر از احترام و اعتماد به اعضای خانواده و رفتار ایجابی سعی کنیم با اعضای خانواده خود به صورت مؤثر و آرام ارتباط برقرار کنیم. از رفتارهای مثبت اعضای خانواده، قدردانی و آن‌ها را تشویق کنیم. به تفاوت‌های شخصیتی، علائق و نیازهای هریک از اعضای خانواده احترام بگذاریم.
- کمک گرفتن از مشاور خانواده**؛ اگر بداخلاقی در خانواده به صورت مزمن و شدید است، از یک متخصص و مشاور با تجربه خانواده کمک بگیریم. مراجعه به یک مشاور خانواده مناسب، می‌تواند بسیار مفید باشد.



شهر
شاهارNEWS.IR
۵شنبه
۲۲ بهمن ۱۴۰۳
شماره ۲۲۲۲

۱۴



نمازجماعت، عمل مستحبی که بسیار توصیه شده است

تا مهربانی بیشتر شود



نشانه‌ای

برای شریعت

اگر بنا بود تنها یک دلیل برای اهمیت شرکت در نمازجماعت آورد، حکم تشریع به معنی بیان کردن و نشان دادن آیین شریعت کافی بود. براساس روایت نقل شده از امام رضا^(ع)، علت تشریع نمازجماعت، آشکار شدن اسلام، توحید و اخلاص در بین مردم است. (وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۸۷). همچنین در کتاب علل الشرائع از امام صادق^(ع) روایت شده است که خدا نمازجماعت را برای این قرار داد تا کسانی که نماز می‌خوانند، از کسانی که نماز نمی‌خوانند، شناخته شوند و معلوم شود چه کسی اوقات نماز را حفظ و چه کسی آن را ضایع می‌کند. (علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۲۵).



حمیده ذاکری ا حتما می‌دانید که اعمال عبادی نیز مانند سایر اعمال و رفتارهای ما، دارای دسته‌بندی واجب و مستحب و مکروه و... است. هرچند بیشتر ما با اعمال عبادی واجب مانند نماز و روزه آشنا هستیم، در مورد برخی اعمال مستحب، کم‌کاری می‌کنیم یا مراقبتمان کمتر است. درحالی‌که برخی از این اعمال توصیه‌شده، روزانه می‌توانند برای ما منبع خیر و برکت و ثواب باشند. یکی از این مستحب‌ها که بر آن تأکید هم شده است، خواندن نماز به‌صورت جماعت است. در ادامه با برخی برکات این مستحب مؤکد آشنا می‌شویم.



بهبانه، ممنوع!

پس عجیب نیست که رسول خدا^(ص) بر حضور در این عبادت جمعی تأکید کنند و بفرمایند: «در نمازجماعت حاضر شوید؛ اگرچه با دشواری و سختی باشد» (وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۷). این تأکید رسول خدا^(ص) نشان می‌دهد که مشغله کاری یا گرفتاری، نمی‌تواند بهانه‌ای برای از دست دادن این فرصت باشد؛ به‌خصوص اگر در نزدیکی خانه‌ما مسجد وجود داشته باشد یا در محل کارمان، نماز به‌جماعت برگزار شود. ایشان در سخنی دیگر در این باره فرموده‌اند: «هنگامی که اذان نماز را شنیدی –هرچه سریع‌تر– به مسجد بیا، گرچه به‌صورت سینه خیز باشد».

(کنزالعمال، ج ۷، ص ۵۷۸، حدیث ۲۰۳۳۷).



سلام خدا

و محبت مؤمنان

یکی از نتایج مهم حضور در نمازجماعت، برخورداری از درود و سلام خداوند و فرشتگان است. پیامبر خدا^(ص) در این باره فرمودند: «خدا و فرشتگانش بر کسانی که صف‌های اول –نمازجماعت– را به هم پیوند می‌دهند، درود می‌فرستند» (کنزالعمال، ج ۲، ص ۶۲۳). اما این نشانه شریعت، تنها دارای ثواب و نتیجه اخروی نیست و در احادیث ائمه اطهار^(ع) به تأثیر آن در زندگی روزمره ما هم اشاره شده است. در این باره نیز رسول خدا^(ص) می‌فرماید: «صف‌های نمازجماعت را هماهنگ و تنظیم کنید تا دل‌هایتان متعالف شود و شانه‌ها در تماس باهم باشد تا مهربانی افزوده شود».

(کنزالعمال، ج ۷، ص ۶۲۳، حدیث ۲۰۵۷۵).



نوایی

که نوشتنی نیست

براساس احادیث گهربار معصومین^(ع)، رفتن به مسجد برای شرکت در نمازجماعت و درک نمازجماعت از ابتدای تکبیره الاحرام، اجر و پاداش بسیار زیادی دارد و نمازجماعت کوتاه و مختصر بر نماز طولانی برتری دارد. در این باره در حدیث معروفی که پیامبر اکرم^(ص) از جبرئیل نقل کرده‌اند، آمده است: «خداوند متعال وعده داده است که اگر عدد حاضران در نمازجماعت بیش از ۱۰ نفر باشد، اگر تمام دریاها مرکب و درخت‌ها قلم و جن و انس و ملائکه نویسنده شوند، نتوانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند».

(عروه‌الوقفی، ج یک، باب طاعة الجماعة).



روشنا

امام علی^(ع) فرمودند،

يَلْزِمُ الْمُعْتَكِفُ الْمَسْجِدَ وَيَلْزِمُ ذِكْرَ ... وَ التَّوَاؤُ وَ الصَّلَاةَ.

واجب است معتکف در مسجد بماند و شایسته است

که به ذکر خدا و تلاوت قرآن و نماز مشغول شود. (مستدرک‌الوسائل، ج ۷، ص ۵۶۴).

قصه قرآنی یوسف

وَأَخِيهِ إِذْ أَنتُم جَاهِلُونَ. (یوسف، ۸۹)
شاید عده‌ای از آن‌ها چشمانشان گردشده، شاید عده‌ای دیگر دهانشان باز ماند و عده‌ای دیگر سرشان را پایین‌انداختند. پرسیدند تو یوسفی؟ قَالُوا إِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ. (یوسف، ۹۰)
سؤال‌ها در سرشان رژه می‌رفت و از اول ماجرا سعی داشتند مرور کنند. شاید تازه به شباهت او با برادر گم‌شده‌اش پی برده بودند. طلسم پاسخ شکسته شد؛ بله، من یوسفم و این هم برادرم. این جایگاهی است که خدا به من عطا کرده است.
شما من را ته چاه انداختید و خدا مرا عزیز مصر کرد.
قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنَّ يَتَقَّ وَيُضَيِّرُ فَأَنَا... لَا يُضَيِّعُ أَجْرَ الْمُخْسِنِينَ. (یوسف، ۹۰)
این پاسخ خدا به پرهیزکاری و شکیبایی است.

إِنَّهُ لَا يَأْسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الْكَافِرُونَ.

(یوسف، ۸۷)

برادران پیش یوسف برگشتند و گفتند ای عزیز مصر، خشک‌سالی به ما ضرر رسانده است، پیمانه ما را تمام برده که خدا صدقه دهندگان را دوست دارد. فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسْنَا وَأُهْلِنَا ظُرُوقَنَا بِضَاعَةٍ مُرْجَاوُ فَأَوْفَ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ... يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ.

(یوسف، ۸۸)

حالا وقت رسوایی آن‌ها و پشیمانی بود. یوسف تصمیم گرفت خودش را معرفی کند.
گفت آیا زمانی که نادان بودید، متوجه شدید چه با یوسف و برادرش انجام دادید؟
قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ

سمانه رضوانی ا وقتی از فراق و دوری حرف می‌زنیم، خیلی‌ها ممکن است بگویند من هم کشیده‌ام، من هم می‌دانم چیست، اما فرق می‌کند، خیلی هم فرق می‌کند. مثلا مادر شهیدی که پسر جوانش مفقودالثر شده و جنازه‌ای از او ندیده، هنوز چشمش به در است که شاید یک روز که در می‌زند، پسر رعنایش پشت در باشد. هنوز امید دارد به دیدن دوباره‌اش. بعضی فراق‌ها اصلا جنسشان فرق می‌کند. بعضی دوری‌ها چشم‌ها را سفید می‌کنند، مثل حال یعقوب در فراق یوسف.
...وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ. (یوسف، ۸۴)
دیگران به او خرده می‌گرفتند که آن قدر که یوسف یوسف می‌کنی، توانت را از دست می‌دهی و شاید جانت را.

شنیدنی

رسوایی بزرگ

احکام

معنای چند اصطلاح در احکام

پرسش: مفهوم عبارت «احتیاط واجب»، «احتیاط مستحب»، «اقرب» و «اقوی» چیست؟

پاسخ اجمالی: برای روشن شدن معنای احتیاط واجب و احتیاط مستحب، باید ابتدا

معنای کلمات واجب، مستحب و احتیاط بیان شود. واجب به عملی گفته می‌شود که انجام آن، لازم و ضروری باشد و از ترک آن نهی شده باشد. مستحب به عملی گفته می‌شود که انجام آن خوب باشد. ولی لازم و ضروری نباشد و از

ترک آن نهی نشده باشد. احتیاط: گاهی گفته می‌شود مکلف یا باید از اعلم تقلید کند یا احتیاط کند. مراد از این احتیاط رعایت همه احتمالات فقهی است. به‌طوری‌که مکلف مطمئن‌شود به وظیفه خود عمل کرده است. اما اگر محتبهدی در رساله خود بنویسد احتیاط آن است که... مقصود از آن، وجوب انجام یا ترک فعلی از باب احتیاط یا استحباب انجام یا ترک فعلی از باب احتیاط است. به اولی، «احتیاط واجب» و به دومی، «احتیاط مستحب» گفته می‌شود.

باتوجه به این توضیحات می‌گوییم:

را «حتیاط مستحب» می‌نامند.

در این نوع احتیاط، ترک عمل احتیاطی برای مقلد، جایز است. اگرچه انجام دادن آن ثواب و پاداش دارد. بنابراین در احتیاط واجب، مقلد بین عمل به احتیاط مرجع خود و رجوع به نظر مرجعی دیگر، اختیار دارد. اما در احتیاط مستحب، مقلد، بین عمل به احتیاط مستحب و فتوای همراه دیگران دارد. بلکه باید به رأی همان مجتهد عمل کند.